



ملاحظات روش شناختی حوزه مهاجرت های بین المللی

سعیده سعیدی^۱

چکیده

در ادبیات نوین مهاجرت حرکت جمعیت‌های انسانی یک فرایند چندوجهی است و تحرک مکانی افراد در بین فضاها، مکان‌ها و زمان‌های مختلف پیامدهای اقتصادی، روان شناختی و سیاسی داشته که موضوع مهاجرت را به یک مفهوم زمینه مند مبدل ساخته است. بر یک مطالعه جامع در حوزه مهاجرت رویه ای دیالکتیکی حاکم است و این حوزه ماهیتی بین‌رشته‌ای دارد و حوزه‌های مختلف به ویژه علوم سیاسی، اقتصاد، علوم انتظامی، جمعیت شناسی و مردم شناسی از منظرهای مختلف به آن ورود پیدا کرده‌اند و روش‌های کمی و کیفی را برای فهم این حوزه مورد استفاده قرار داده‌اند. وقتی مهاجرت به عنوان یک مفهوم فرهنگی تعریف شود، یکی از بهترین رشته‌ها برای مطالعه، مردم شناسی و بهترین روش برای فهم کنشگران این عرصه، مردم‌نگاری خواهد بود چراکه مهاجرت و جابجایی‌ها به صورت فرهنگی تولید می‌شوند، به صورت فرهنگی ارائه می‌شوند و تأثیرات فرهنگی می‌زایند.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که مردم نگاری چگونه می‌تواند به تبیین حوزه مهاجرت های بین المللی کمک کند و چالش های روش شناختی مردم نگاری مهاجرت چیست؟ این پژوهش براساس ۱۳ سال مردم نگاری و فعالیت میدانی نگارنده در حوزه مهاجرت های بین المللی استخراج شده است.

در این نوشتار ملاحظات نظری و رویه های عملی مردم نگاری مهاجرت مورد مذاقه قرار خواهد گرفت. وجوه مختلف مردم نگاری کلاسیک و آنلاین در حوزه مهاجرت و همچنین مردم نگاری تک مکانه و مردم نگاری چند مکانه از مباحث مقاله می باشد. همچنین چالش های مردم نگاری مهاجرت از ۵ منظر چالش خود میدان، چالش های ورود به میدان، نمونه‌گیری، تکنیک های جمع آوری داده در مردم نگاری مهاجرت و همچنین اخلاق در پژوهش مردم‌نگارانه مهاجرت به تفصیل بیان خواهد شد.

مقدمه

در ادبیات نوین مهاجرت حرکت جمعیت‌های انسانی یک فرایند چندوجهی است و تحرک مکانی افراد در بین فضاها، مکان‌ها و زمان‌های مختلف پیامدهای اقتصادی، روان شناختی و سیاسی داشته که موضوع مهاجرت را به یک مفهوم زمینه‌مند مبدل ساخته است. این حوزه مطالعاتی به فهم تجربیات افرادی می‌پردازد که از مکان جدا شده‌اند، در حرکت هستند، به مکان‌های متعدد به صورت همزمان وابستگی و دلبستگی دارند و الزامات مکان جدید در تقاطع با نگاه به جغرافیایی که از آن بیرون زده‌اند را به صورت همزمان تجربه می‌کنند. بر یک مطالعه جامع در حوزه مهاجرت رویه‌ای دیالکتیکی حاکم است و این حوزه ماهیتی بین‌رشته‌ای دارد و رشته‌های مختلف به ویژه علوم سیاسی، اقتصاد، علوم انتظامی، جمعیت شناسی و مردم شناسی از منظرهای مختلف به آن ورود پیدا کرده‌اند و روش‌های کمی و کیفی را برای فهم این حوزه مورد استفاده قرار داده‌اند.

با توجه به تغییرات گسترده‌ای که در الگوهای تحرک مکانی افراد در دو دهه اخیر صورت گرفته مطالعه حوزه مهاجرت در قالب‌های کلاسیک مردم‌شناختی امکان‌پذیر نبوده و پژوهشگر علوم اجتماعی می‌بایست در فرایند پژوهشی مردم-نگاری مهاجرت طرحی نو بیاندازد. در این نوشتار تلاش خواهد شد مهاجرت با لنز مردم شناسی مورد رصد قرار گرفته و از روش مردم‌نگاری به عنوان یکی از مهمترین و کاربردی‌ترین تکنیک‌های انجام پژوهش در حوزه مهاجرت صحبت شود. در راستای نظریه پردازی در حوزه مردم نگاری مهاجرت تلاش هایی شده است (ولدر و کیرتیچنکو ۲۰۱۳) اما

^۱ استادیار مردم شناسی



مطالعه مردم نگارانه حوزه مهاجرت در ایران (سعیدی ۱۴۰۱؛ میرزایی ۱۳۹۶) بسیار جوان، نوظهور و کم دامنه است. این نوشتار درصدد است تا با نگاهی جامع به حوزه مطالعات مهاجرت از منظر انسان شناختی، چارچوب روش شناختی مردم نگاری مهاجرت را تدوین نماید.

اگرچه فرگوسن (۱۹۹۷) مردمی که خارج از مرزهای ملی خود زندگی می‌کنند را سوژه‌هایی می‌داند که کمتر قابلیت مطالعات مردم شناختی دارند اما وقتی مهاجرت به عنوان یک مفهوم فرهنگی تعریف شود، بهترین رشته برای مطالعه، مردم شناسی و بهترین روش برای فهم کنشگران این عرصه، مردم‌نگاری خواهد بود چراکه مهاجرت و جابجایی‌ها به صورت فرهنگی تولید می‌شوند، به صورت فرهنگی ارائه می‌شوند و تاثیرات فرهنگی می‌زایند. برای مردم-نگاری مهاجرت، انتخاب سطح پژوهش (کلان، میانی و خرد) اهمیت بنیادین دارد. اگرچه در بسیاری از موارد در فرایند تحقیق مطالعه هر سه سطح به صورت موازی مورد نیاز می‌شود اما منظر محقق به موضوع باید از ابتدا مشخص باشد که بر کدام سطح بنیان شده است در غیر این صورت عمق مورد نیاز تحلیل و اشراف به میدان شکل نمی‌گیرد.

مطالعات مهاجرت: مردم‌نگاری کلاسیک یا مردم‌نگاری آنلاین

تمرکز مطالعات کلاسیک مهاجرت بر زیست آفلاین مهاجران است در حالیکه در دنیای جهانی شده، مهاجرت دیگر به معنای نبودن و عدم حضور فرد نبوده و مهاجر به عنوان فردی با "ارتباطات چندگانه"^۳ تعریف می‌شود. امروزه اینترنت به عنوان یکی از مهمترین بسترهای فهم مهاجرت محسوب می‌شود. مطالعات مهاجرت بعد از انقلاب دیجیتال به سمت مطالعه مهاجران به عنوان اعضای "قلمروهای دیجیتال"^۴ که به صورت آنلاین حرکت می‌کنند و با هم بودن مجازی‌^۵ تجربه می‌کنند تغییر یافته است. با توجه به تغییر الگوهای رفتاری مهاجران در سال‌های اخیر و همچنین تغییر در میدان پژوهش و شبکه‌های شکل گرفته، تکنیک‌های روش شناختی نیازمند بازنگری جدی است.

مردم‌نگاری آنلاین، نتنوگرافی (کزینت ۲۰۱۰) و مردم‌نگاری مجازی (پینک و همکاران ۲۰۱۶) از روش‌های جدید پژوهش در علوم اجتماعی می‌باشند. یکی از مهمترین مبانی مردم‌نگاری آنلاین "حضور چندگانه"^۶ هم محقق و هم مشارکت کننده در پژوهش است. در محیط آنلاین، به دلیل فضای آزادی که به فرد به واسطه ناشناسی داده می‌شود، افراد شیوه‌های متنوعی از حضور را تجربه می‌کنند که بستر مطالعاتی مناسبی را در اختیار محقق قرار می‌دهد. از سوی دیگر محقق نیز با ابزارهای دیداری و شنیداری که این پلتفرم‌ها در اختیارش قرار می‌دهند به صور گوناگونی پژوهشگری خود را در فرایند شناخت میدان و جمع‌آوری داده ابراز می‌نماید. به منظور تعهد به روح مردم‌نگارانه پژوهش، از بستر مطالعه زیست آفلاین گروه هدف به شبکه‌های آنلاین آنها وارد شود. به بیان دیگر بهتر است محقق از

^۳migrations as cultural events

^۴multiple connected

^۵digital territories

^۶virtual togetherness

^۷براساس مطالعات میدانی نگارنده، مردم‌نگاری مجازی در حوزه مهاجرت واژه مناسبی نیست. در معنای لغوی واژه مجازی به معنای غیر حقیقی آورده شده است در حالیکه پویایی‌های صورت گرفته در این حوزه، بخشی از زندگی واقعی افراد است که در فضایی متفاوت صورت می‌گیرد، فلذا در این پژوهش به جای واژه مجازی از واژه آنلاین استفاده خواهد شد.

^۸multiple presences



طریق حضور مستقیم در میدان و فرایند اعتماد سازی^۱ با گروه هدف بتدریج در جغرافیای آنلاین زندگی افراد وارد شود و به تدریج در شبکه‌های اجتماعی جامعه هدف وارد می‌شود. این هنر مردم نگاری آنلاین است که مطلعین، محقق را امین بیندارند و گروه‌های مجازی خود را به محقق معرفی و یا او را عضو نمایند.

ذکر این نکته بسیار ضروری است که اینترنت و فضای آنلاین برای مطالعه حوزه مهاجرت به شیوه مردم‌نگارانه صرفاً نقشی حمایتی دارد. تمرکز زیاد مطالعات جدید مردم‌نگارانه بر فضای آنلاین خطر تبدیل پژوهش‌های انسان-شناختی به سمت مطالعات کتابخانه‌ای، پشت میز نشین^۲ (در این بحث، کامپیوتر) را دارد. بنیتو متناگوت (۲۰۱۱) مطالعه فضای آنلاین را "مردم‌نگاری بسط یافته" می‌داند که به معنای ادامه روابط افراد در زندگی واقعی است و به عنوان یک تکنیک کمکی صرفاً بخشی از تصویر زندگی چندبعدی مهاجران را ترسیم می‌کند و برای تکمیل پازل پژوهش تکنیک‌های دیگر در فهم کنش‌های دو طرفه زندگی آنلاین و آفلاین مهاجران باید به کار گمارده شود.

در مطالعات حوزه مهاجرت باید محقق معین کند که می‌خواهد از چه زاویه‌ای به موضوع نگاه کند. اگر قرار است بر روندها، فرایندها و ارتباطات تمرکز بیشتری داشته باشد به ویژه در مطالعات حوزه دیاسپورا و فراملی‌گرایی (وجوه ارسالی، سفر و رسانه) (سعیدی ۱۳۹۸ الف) و همچنین مطالعه صنعت مهاجرت، این شیوه از مردم نگاری کاربردی خواهد بود. شبکه‌های اجتماعی در مقاطع مختلف مورد استفاده بازیگران عرصه مهاجرت قرار می‌گیرد به عنوان نمونه اطلاع از اسناد حقوقی به منظور تهیه پاسپورت و ویزا، اطلاع از شرایط کشور مقصد، اطلاعات مسیر و هزینه‌های حرکت، اطلاعات در خصوص فرایند جایابی مهاجر در جامعه مقصد، اطلاع از مسیرهای حرکت، اطلاع از وضعیت باز یا بسته بودن نقاط مرزی برای حرکت به جلو و حتی وضعیت آب و هوا برای شروع حرکت (دکر و همکاران ۲۰۱۸)، هشتگ-های متعدد قاچاقبران در فضای توئیتر، فیس‌بوک، اینستاگرام و تلگرام برای تبلیغ پاسپورت و مدارک هویتی جعلی، استفاده از اپلیکیشن نبرای ترجمه مکالمات پناهجویان در خصوص درخواست کمک به ماموران مرزی و یا اعلام خراب شدن قایق حامل پناهجویان در دریای مدیترانه در توئیتر و ساختن هشتگ جهت کمک رسانی.

مطالعه مهاجرت: مردم‌نگاری تک مکانه یا مردم‌نگاری چندمکانه

اگرچه مردم‌نگاری چندمکانه به نام مارکوس (۱۹۹۵) شناخته می‌شود اما پیش از او، روس (۱۹۹۱) در مطالعه انسان شناختی خود در خصوص مهاجران مکزیکی در ایالات متحده آمریکا به این رویکرد اشارات مستقیمی داشته است. مردم‌نگاری چندمکانه براساس روابط و تعاملات افراد در بین فضاها و مکان‌های مختلف صورت بندی می‌شود. در مردم‌نگاری مهاجرت، چندمکانه بودن به معنای کارمیدانی در کشورهای مختلف است و به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت دینامیک موضوع مهاجرت مردم‌نگاری چندمکانه به جامعیت پژوهش کمک خواهد نمود چراکه این حوزه دقیقاً بر مطالعه بازیگرانی بنیان شده است که خود در میدان‌های مختلف در حرکت هستند در نتیجه مردم‌نگاری در حرکت پتانسیل مناسبی برای فهم تجربه زیسته و روایت داستان مهاجران دارد.

در خصوص مطالعه انسان شناختی حوزه مهاجرت نسخه‌ای واحد پیچید و محقق می‌بایست براساس مختصات موضوع، استراتژی روشی خود را انتخاب کند. در برخی موضوعات برای رسیدن به یک غنای مفهومی و تعمیق بحث باید از

^۱rapport

^۲armchair anthropology

^۳expanded ethnography

^۴mobile ethnography



استراتژی مردم‌نگاری تک‌ساخته آگیلیس (۲۰۱۱) استفاده کرد در حالیکه پژوهش در حوزه فراملی‌گرایی و یا تحلیل نسلی مهاجران با مردم‌نگاری چندمکانه بهتر انجام می‌شود.

ایده مارکوس در بیان مردم‌نگاری چندمکانه مورد اقبال عمومی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته است اما نقدهای جدی هم به آن وارد است. اگرچه هنرز (۲۰۰۳) مردم‌نگاری چندمکانه را بهترین روش برای مطالعه حوزه مهاجرت می‌داند اما همانطور که در بخش قبل اشاره شد در این مورد هم اعمال آن در حوزه مردم‌شناسی مهاجرت به دلیل بعد مکانی و پیچیدگی‌های مفهومی این حوزه پتانسیل بالایی برای کمرنگ شدن روح مردم‌نگارانه پژوهش دارد چرا که ممکن است با توجه به تعدد میدان‌های پژوهش به مردم‌نگاری پشت میز نشین تقلیل یابد.

حرکت در بین میدان‌های متعدد که به صورت حرکت‌های فرامرزی و مسافرت‌های بعضاً طولانی بین مقاصد مختلف است، آسیب جدی به روح مردم‌نگارانه پژوهش وارد می‌کند و امکان غرق شدن در موضوع را از محقق می‌گیرد. تقسیم حضور محقق در سایت‌ها و میدان‌های متنوع ممکن است این خطر را ایجاد کند که فرد نتواند به عمق مورد نظر یک مطالعه مردم‌نگاری اصیل دست یابد. فلذا در پژوهش‌های با بازه زمانی کوتاه مردم‌نگاری چندمکانه نمی‌تواند در مطالعات مهاجرت غنای لازم را به محقق بدهد.





چالش‌های مردم‌نگاری مهاجرت

چالش‌های خود میدان

حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی همواره یکی از عرصه‌هایی است که سویه‌های سیاسی، امنیتی و حساسیت برانگیز دارد، در سطح کلان، برای بسیاری از دولت‌ها، منطقه ممنوعه تحقیقاتی تعریف می‌شود و دولت‌ها تمایل به جنایی کردن^{۱۳} موضوع مهاجرت دارند. تقلیل یک پدیده اجتماعی به جرم، اساس دستورالعمل پژوهش را تحت الشعاع قرار می‌دهد. مرزهای بین‌المللی به عنوان یکی از مهمترین ارکان شکل دهنده به تصویر مهاجرت، این حوزه را به سمت امنیتی، سیاسی و جنایی شدن سوق می‌دهند. دولت‌ها تمایل دارند با جنایی کردن موضوع مهاجرت هزینه‌های تحرک مکانی افراد را بالا ببرند.

از سوی دیگر در سطح خرد نیز، بازیگران این عرصه شرایط ویژه و متزلزلی را تجربه می‌کنند و در نتیجه نزدیک شدن به آن همواره فرایندی پر مخاطره است. لیامپوتونگ (۲۰۰۷) به درستی اشاره می‌کند که در موضوعات حساس هر چقدر هم محقق تلاش کند باز هم حساسیت موضوع بر روند پژوهش سایه می‌اندازد. در این فضا، شکل دهی به یک اعتماد دو طرفه با محقق کاری به مراتب دشوارتر است به ویژه در موضوعاتی همچون اعتمادسازی با پناهجویانی که در مسیر قاچاق، در کشورهای ترازیت گیر افتاده‌اند، با قاچاقبران، با افراد بی‌تابعیتی فاقد هر نوع مدرک شناسایی که در اضطراری مداوم در سایه اخراج قرار دارند. محقق به عنوان یک عنصر خارجی، وظیفه بسیار سختی برای نزدیکی با گروه هدف داشته و جمع‌آوری داده فرایندی پر چالش خواهد بود. میدان در حوزه مهاجرت‌های اجباری، فضایی مملو از بی‌اعتمادی، ترس از اخراج و بازداشت، سو ظن، تقلب و دروغ و تعلیق و بی‌ثباتی^{۱۴} است و بازیگران آن به صورت تجربی آموخته‌اند که به مخاطب شک کنند، از دیگران بترسند و برای بقا با هر وسیله‌ای مبارزه کنند، در حقیقت برای برخی کنشگران عرصه مهاجرت، سو ظن مداوم و عدم اعتماد به افراد یک استراتژی بقا^{۱۵} است و در نتیجه مردم‌نگاری در چنین فضایی مهارت، جسارت و تبحر خاص خود را می‌طلبد.

چالش‌های ورود به میدان

خودی/غیرخودی بودن در تحقیق مردم‌نگارانه در تمامی موضوعات از مهمترین چالش‌های محققین است. از مهمترین مواردی که یک مردم‌نگار باید به آن توجه کند شکل‌گیری ایماژ اولیه^{۱۶} است. به دلیل کوچک بودن و شناس بودن جامعه مهاجران در کشورهای میزبان، فرد جدید به سرعت شناخته می‌شود و حضورش به صورت افواهی در اجتماع پخش می‌شود در نتیجه بهتر است مردم‌نگار تصویر خنثی و بدون حاشیه‌ای از خود بسازد تا فرایند اعتمادسازی تسهیل گردد. باید اذعان داشت که هرچقدر هم که برای ایجاد اعتماد و همسانی تلاش شود همانطور که رز (۱۹۸۵) به خوبی اشاره می‌کند "خنثی بودن" کامل ممکن نیست و امکان اینکه به "یکسانی کامل"^{۱۸} رسید دور از ذهن است و محقق در بهترین حالت می‌تواند صرفاً اسکیمای ذهنی خود را تا حدی مهار کند.

^{۱۳}criminalization

^{۱۴}precarity

^{۱۵}survival strategy

^{۱۶}first impression

^{۱۷}community

^{۱۸}complete sameness



به منظور فهم بهتر این نکته، مفهوم موقعیت‌مندی در پژوهش‌های مردم‌نگارانه که به ارتباط شاخص‌های موقعیتی‌محقق بر فرایند پژوهش اشاره دارد کمک خواهد کرد؛ شاخص‌هایی همچون عنوان شغلی، جنسیت، گروه سنی، ویژگی‌های ظاهری، نوع پوشش، طبقه اجتماعی، قومیت، والد بودن، باردار بودن، مهارت زبانی، زبان مورد استفاده در میدان، مذهب و در بستر مردم‌نگاری مهاجرت شاخص تجربه مهاجرتی، سواد فرهنگی و وضعیت اقامتی محقق می‌تواند بر نحوه تعامل با مشارکت‌کننده در پژوهش تاثیر مستقیم بگذارد که در این راستا ایان (۲۰۱۵) از موقعیت‌مندی چندگانه یاد می‌کند.

نمونه‌گیری در مردم‌نگاری مهاجرت

همراستا با سایر پارادایم‌های روش‌شناختی در علوم اجتماعی، در مردم‌نگاری مهاجرت نیز محقق براساس نوع پژوهش، سبک سوالات و اهداف پژوهش نمونه‌گیری انجام می‌دهد. البته باید توجه داشت که در مردم‌نگاری نمونه‌گیری نه بر مبنای نمایا بودن که براساس مرتبط بودن با تحقیق است که شامل نمونه‌گیری نظری، نمونه‌گیری گلوله برفی و نمونه‌گیری هدفمند است که براساس دسته‌بندی‌های مختلف حوزه مهاجرت نوع نمونه‌گیری متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال نمونه‌گیری مطابق، برای مطالعه دیاسپورا کاربرد دارد یا در موضوع مهاجرت‌های اجباری به ویژه زمانی که جامعه هدف پناهنجویان، افراد بی‌تابعیت و یا گروه‌های فرودست و فاقد مدرک هستند که عمدتاً به صورت کلونی زندگی می‌کنند، نمونه‌گیری گلوله برفی بهترین ابزار پژوهش برای رصد شبکه‌های افراد و فهم ارتباطاتشان خواهد بود. البته نمونه‌گیری گلوله برفی این پتانسیل را دارد که به همگونی نمونه‌ها و تک بعدی نمودن پژوهش براساس تعریف محدود از دامنه موضوع را منجر شود فلذا دقت در انتخاب مطلعین یکی از بنیادی‌ترین زیرساخت‌های یک پژوهش مردم‌نگارانه دقیق است.

تکنیک‌های جمع‌آوری داده در مردم‌نگاری مهاجرت

گفتگو

علاوه بر مطالعه اسناد، مهمترین بسترهای جمع‌آوری داده در مردم‌نگاری، مصاحبه (گفتگو) و مشاهده همراه مشارکت می‌باشد. باید دقت کرد که اگرچه به صورت کلی مجموعه تکنیک‌های پارادایم کیفی در کتاب‌های مرجع روش ذکر می‌شوند ولی برای هر گروه مورد مطالعه ممکن است یکسری تکنیک‌های جمع‌آوری داده بهتر جواب بدهد. حوزه مهاجرت الزامات روش‌شناختی خاص خود را می‌طلبد و بی‌شک برای تدوین یک پژوهش منسجم، دقیق و کاربردی می‌بایست ملاحظات مختلف مورد توجه محقق قرار گیرد. جامعه هدف متشکل از افرادی است که در فرایند تحرک مکانی خود، به صورت مداوم از سوی نهادهای مختلف و افراد و گروه‌های متعدد مورد پرسش و سو‌ظن قرار گرفته‌اند؛ توسط قاچاقبران، مرزبانان، اداره مهاجرت کشورهای ترانزیت، اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد برای دریافت حمایت، افراد جامعه میزبان و همچنین اعضای جامانده در کشور مبدأ. در نتیجه اگر محقق به عنوان یک پرسشگر جدید وارد میدان شود قطعاً مورد اقبال قرار نخواهد گرفت.

^۱markers of status

^۲multiple positionalities



یکی از مهمترین چالش‌های روش شناختی در حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی به ویژه در حوزه مهاجرت‌های اجباری چالش به کارگیری واژگان روشی در مواجهه با گروه هدف است. تجربه‌های حکایتی نگارنده با مهاجران افغانستانی و ایرانی در طی یازده سال پژوهش متمرکز در این حوزه نشان می‌دهد که به دلیل ذات پژوهش مردم‌شناسی که ارتباط مداوم و دوسویه در میدان با افرادی است که تجربه‌های پیچیده‌ای از زندگی دارند دقت در انتخاب واژگان باید سرلوحه کار مردم‌نگارانه در حوزه مهاجرت باشد.

به عنوان مثال، "مصاحبه" یکی از مهمترین ابزارهای جمع‌آوری داده در روش تحقیق مورد پذیرش تمامی حوزه‌های مطالعاتی است اما مواجه شدن با جامعه‌ای آسیب دیده و زخمی که در موقعیتی متزلزل و مضطرب قرار دارد، مردم‌نگار نیازمند افزایش حساسیت نسبت به به کارگیری واژگان است چراکه استفاده از واژه مصاحبه معنای متفاوتی را در میان-ذهنیت مخاطب شکل می‌دهد چرا که یک بازیگر در حوزه مهاجرت اجباری مصاحبه را به عنوان یکی از مهمترین مراحل مواجهه مستقیم با نهادهای رسمی کشور ترانزیت یا کشور مقصد به ویژه اداره مهاجرت و پناهندگی، پلیس و دادگاه متصور می‌شود و مردم‌نگار هر چقدر هم در راستای شکل‌دهی به اعتماد و حرکت به سمت خودی بودن با گروه هدف تلاش کرده باشد به کاربردن واژگانی همچون مصاحبه برای تنظیم قرار به منظور جمع‌آوری داده در بسیاری از موارد منجر به دور شدن مطلعین از محقق می‌شود چراکه واژه مصاحبه برای یک پناهجو، برای یک فرد بی‌تابیت، برای افراد با وضعیت اقامتی متزلزل تداعی‌گر جلسات بررسی پرونده و یا بازجویی است. بر این اساس نگارنده به جای واژه مصاحبه، از واژه گفتگو در مردم‌نگاری مهاجرت پیشنهاد می‌نماید که رویکردی غیربوروکراتیک و همدلانه‌تر دارد.

در یک پژوهش مردم‌نگارانه اصیل، به هیچ عنوان برون‌سپاری و انجام گفتگوها صرفاً توسط دستیار توصیه نمی‌شود، چراکه در جریان گفتگو، باید به زبان بدن، سکوت میان پاسخ‌ها و فواصل میان جملات و حالات بدن مخاطب دقت کافی شود. یکی از مهمترین چالش‌های کار با افراد آسیب دیده این است که بسیاری از احساسات را نمی‌توان در قالب کلمه در آورد. سکوت و وقفه‌های طولانی در جریان صحبت را نمی‌توان جمله‌بندی کرد و زخم‌های افراد را در برخی موارد نمی‌توان به جمله در آورد. در یک پژوهش مردم‌نگارانه این بخش از جمع‌آوری داده باید به طور کامل توسط خود محقق که آموزش دیده و نسبت به حساسیت‌های گروه هدف اشراف دارد انجام شود. در غیر این صورت داده‌ها ناقص و محل بحث خواهد بود.

همچنین توصیه می‌شود که گفتگوها در فرایند مردم‌نگاری مهاجرت، به زبان مادری مطلعین انجام شود چراکه به فرد احساس امنیت و آرامش می‌دهد. از سوی دیگر استراتژی قیف توصیه می‌شود بدین معنا که گفتگو با تجربیات تروماتیک آغاز نشود و از تجربیات خوشایند افراد در جریان مهاجرت شروع پرسش شود، آرزوهای افراد در ابتدای گفتگو مطرح شود و تجربیات مستاصل‌کننده مخاطب به تدریج وارد بحث شود؛ از آنچه که انگیزه مهاجرت مخاطب برای تحرک مکانی بوده در ابتدای گفتگو صحبت شود و آنچه که در واقعیت به وقوع پیوسته است بتدریج وارد بحث گردد و روایت نوستالژی، سردرگمی و دیگری‌انگاشته شدن‌ها به تدریج وارد فضای گفتگو شود.

در پایان این بخش باید اشاره کرد که در مردم‌نگاری مهاجرت همراستای با سایر حوزه‌های علوم اجتماعی مصاحبه متخصصان^{۳۳} می‌تواند نقش مهمی در فهم سطح کلان موضوع داشته باشد و به شدت توصیه می‌شود. براساس تجربیات نگارنده در حوزه مهاجرت بهتر است این تکنیک در مراحل میانی و پایانی پژوهش انجام پذیرد و نه در ابتدای تحقیق

³ anecdotal experiences

³ funneling

³ expert interview



چراکه باعث شکل‌گیری پیشداوری و اسکیمای نسبت به گروه هدف می‌شود و روح مردم‌نگارانه پژوهش که بر شنیدن صدای مخاطب و فهم دنیا از دریچه نگاه گروه هدف است را کمرنگ می‌کند. انجام این تکنیک در مراحل میانی و پایانی پژوهش فرصت به بحث گذاشتن نظرات جامعه مهاجر و دستگاه سیاستگذار را به محقق می‌دهد و راهکاری کاربردی برای تست سیاستگذاری‌های صورت گرفته در قبال مهاجران و شناخت چالش‌های آن است.

اخلاق در پژوهش مردم‌نگارانه مهاجرت

اخلاق در پژوهش در اسناد بین‌المللی مختلفی همچون اساسنامه نورنبرگ^۴ (۱۹۴۹)، بیانیه هلسینکی^۵ (۱۹۶۴) و گزارش بلمونت^۶ (۱۹۷۸) مورد تأکید قرار گرفته و در مطالعات انسان‌شناختی حوزه مهاجرت هم از مباحث کلیدی روش‌شناختی محسوب می‌گردد. همانطور که پیشتر اشاره شد تغییرات سریع دهه اخیر نه تنها به تنوع اشکال مهاجرت منجر شده است بلکه بر ملاحظات روش‌شناختی هم اثرات مستقیم گذاشته که بازاندیشی در بحث اخلاق در پژوهش را الزامی ساخته است. باید تأکید کرد که اخلاق در پژوهش نباید به صورت یک بسته یکسان برای موضوعات پژوهشی در نظر گرفته شود و صرفاً به تغییر اسامی مشارکت‌کنندگان در پژوهش و یا عدم ضبط صدای افراد حین گفتگو تقلیل یابد و باید توجه داشت در برخی موضوعات حوزه مهاجرت کوچکترین خطای محقق می‌تواند به وارد شدن آسیب جدی به گروه هدف منجر شود.

همچنین محقق می‌بایست به همان اندازه‌ای که در میدان حقیقی پژوهش به ملزم به رعایت ملاحظات اخلاقی است در مطالعه میدان آنلاین هم دقت لازم را داشته باشد. براساس اصول اخلاق در پژوهش محقق می‌بایست از همان ابتدای تحقیق و شروع ارتباط‌گیری با افراد مخاطب را از هدف پژوهشی خود مطلع سازد هرچند که منجر به سخت و چالشی‌تر شدن فرایند اعتمادسازی خواهد شد. با توجه به اینکه افراد و گروه‌هایی که به نوعی با موضوع مهاجرت ارتباط پیدا می‌کنند (به ویژه در مهاجرت‌های اجباری) در گروه افراد آسیب‌پذیر هستند از ابتدای پژوهش می‌بایست شفاف^۷ عمل نمود. محقق می‌بایست دایماً از خود بپرسد که آیا گروه مورد مطالعه از اینکه دارند مطالعه می‌شوند مطلع هستند؟ آیا رضایت دارند؟ جمع‌آوری داده و نگهداری این داده چه فواید و مخاطراتی برای این افراد دارد؟ آیا به واسطه داده‌های نگهداری شده نزد محقق (مانند فایل صوتی روی واتس‌آپ، عکس و یا ویدیو) افراد قابل شناسایی هستند؟ آیا مطلعین از نتایج این پژوهش مطلع می‌شوند؟ آیا باید محقق که برای جمع‌آوری داده و یا افزایش آگاهی از گروه هدف در فروم‌ها و صفحات آنلاین افراد وارد می‌شود با اکانت شخصی خود حضور یابد یا اکانتی که برای پژوهش ساخته است؟ و تا چه اندازه می‌توان از تولیدات رسانه‌های آنلاین استفاده مستقیم کرد و از چه زمانی باید از افراد به دلیل رصد کامنت‌هایشان اجازه گرفت؟

گروهی از محققین (شاپ ۲۰۰۲) فضای مجازی را یک عرصه عمومی می‌دانند که بصورت اتوماتیک، مجوز استفاده آزادانه از مطالب منتشر شده افراد را در آن به محقق می‌دهد و در نتیجه محقق به صورت مستور در دنیای آنلاین جامعه هدف پرسه می‌زند و داده جمع‌آوری می‌کند. اما در بحث اخلاق در پژوهش در مردم‌نگاری مهاجرت با توجه به حساسیت موضوع و جامعه هدف توصیه می‌شود که همانند مردم‌نگاری کلاسیک، در مردم‌نگاری آنلاین هم از همان

^۴the Nuremberg Code

^۵Declaration of Helsinki

^۶Belmont Report

^۷transparent



ابتدا محقق معرفی اجمالی از سابقه مطالعاتی خود و همچنین موضوع مورد پژوهش به مخاطب ارائه کرده و اجازه استفاده از داده‌های آنلاین افراد را به صورت ضمنی بگیرد و در متن منتشر شده آتی منبع نویسی را با دقت ادامه دهد.





نتیجه گیری و پیشنهادات

مردم‌نگاری بیشتر از آنکه یک روش تلقی شود یک جهان بینی و پارادایم فکری است. پژوهشگر خود را می‌طلبد و پژوهشگر خود را در طی سال‌ها می‌سازد و بتدریج به سبک زندگی پژوهشی محقق تبدیل می‌شود. همزیستی درازمدت با میدان، با موضوع و با بازیگران میدان به تغییرات بنیادین ماهوی در طرز فکر پژوهشگر منجر می‌شود. علاقه به موضوع پژوهش در کیفیت نهایی کار بسیار مهم است. یک انسان شناس افکندن نور بر واقعیت است که به واسطه حضور جدی، طولانی و دقیق در میدان پژوهش میسر می‌شود. متاسفانه مطالعات جدید در این عرصه به سمت مردم شناسی کتابخانه‌ای سوق یافته که مرز مطالعاتی با سایر حوزه‌های علوم اجتماعی به ویژه جامعه شناسی دچار ابهام کرده است.

تمرکز اصلی رشته مردم شناسی مهاجرت شنیدن روایت تمامی کنشگران اجتماع است و مهمترین هدف مردم‌نگاری نگاه منشوری به مهاجرت و تبدیل مفاهیم واحد به طیف متنوع و گسترده‌ای از روایت‌ها است. براساس تجربیات میدانی نگارنده، مردم‌نگاری مهاجرت به بندبازی شباهت دارد که محقق به صورت مداومی در حوزه‌های مختلف به ویژه الزامات حوزه سیاست‌گذاری و علقه‌های بشردوستانه در رفت و آمد است و نگارش پژوهشی اثر بخش نیازمند مهارت بسیار بالایی است. یک مردم‌نگار مهاجرت به طور همزمان چند نقش را در روایت و تحلیل میدان خود دارد: فعال مدنی (مردم‌نگاری انتقادی)، داستان‌سرا (روایت‌گر درد و آلام مهاجر)، دانشگاهی (تحلیل‌گر خنثی) و گزارش‌نهایی پژوهش در حقیقت حاصل رقص پژوهشگر در میان این نقش‌هاست. مطالعات انسان‌شناختی مهاجرت از دریچه متفاوتی به پویایی‌های جوامع می‌نگرد و درصدد فهم ویژگی‌های منحصر به فرد و تمایزات افراد است و یک پژوهش اصولی و دقیق مردم‌نگارانه در حوزه مهاجرت، درصدد است تا افراد را از زیر عناوین و قالب‌های متصلب و برساخت شده حقوقی و سیاسی همچون مهاجر، پناهنده، پناهجو بیرون کشیده و به‌فهم دنیای مستور افراد هم‌ریخت شده در جوامع بپردازد. مردم‌نگاری مهاجرت مرزهای میدان بسیار سیال و منعطف است و مردم‌نگاری نگاهی چرخه‌ای^۸ و نه خطی^۹ به موضوع مهاجرت دارد و به عنوان حوزه روش‌شناختی نوظهوری برای موضوع مطالعاتی با قدمت طولانی است و پتانسیل بالایی برای تحلیل جامع نسبت به این عرصه دارد.

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۸cyclical

^۹linear



منابع

- ✓ سعیدی، سعیده (۱۳۹۸)، بازنمایی وطن در میان ذهنیت مهاجران: رهیافتی نظری به دیاسپورای ایرانی، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۶، شماره ۸۷، زمستان.
- ✓ سعیدی، سعیده (۱۴۰۱)، زندگی در پاورقی. تجربه زیسته اتباع افغانستانی در نهاد آموزش ایران، تهران: موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- ✓ حسین، میرزائی (۱۳۹۶)، راهبردهای فرهنگ‌پذیری و بهداشت روانی مهاجرین افغانستانی در شهرک قائم قم (مطالعه‌ای انسان‌شناختی)، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، هفت.
- ✓ Benhabib, S. (2004). *The rights of others: aliens, residents and citizens*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ✓ Dekker, R., Engbersen, G., Klaver, J., & Vonk, H. (2018). Smart refugees. How Syrian asylum migrants use social media information in migration decision making. *Social media + society*. Special issue on Forced migration and connectivity in(to) Europe.
- ✓ Ferguson, J. (1997). *Anthropological locations: boundaries and grounds of a field science*. United Kingdom: University of California Press.
- ✓ Gielis, R. (2011). The value of single-site ethnography in the global era: studying transnational experiences in the migrant house, *Area*. 43(3).
- ✓ Hannerz, U. (2003) 'Being there . . . and there . . . and there: reflections on multisite ethnography', *Ethnography* 4 (2):201–216
- ✓ Kozinets, R. (2010). *Netnography: doing ethnographic research online*. Los Angeles: Sage.
- ✓ Liamputtong, P. (2007). *Researching the vulnerable. A guide to sensitive research methods*. London: Sage.
- ✓ Marcus, G. E. (1995). Ethnography in/of the World System: The Emergence of Multi-Sited Ethnography. *Annual Review of Anthropology*, 24.
- ✓ Pink, S. (2013). *Doing visual ethnography*. London, England: Sage.
- ✓ Pink, S., & Horst, H., Postill, J., Hjorth, L., Lewis, T., & Tacchi, J. (2016). *Digital ethnography. Principles and practice*. London: Sage.
- ✓ Rose, P. (1985). *Writing on women: Essays in a renaissance*. Middletown, CT: Wesleyan University Press.
- ✓ Rouse, R. (1991). Mexican migration and the social space of postmodernism, *Diaspora*, 1(1). 8–24.
- ✓ Ryan, L. (2015). "Inside" and "outside" of what or where? Researching migration through multipositionalities. *FQS* 16, 2, Art. 17
- ✓ Schaap, F. (2002). *The words that took us there: ethnography in a virtual reality*. Amsterdam: Aksant Academic Publishers.
- ✓ Voloder, L., & Kirtipchenko, L. (2013). *Insider research on migration and mobility: International perspectives on researcher position*. London: Routledge.